

نشریه

پیام فلزکار

شماره سوم - نیمه نخست دی
سال 90

E-mail: skfelezkar@gmail.com

کارگر متحد همه چیز ، کارگرمتفرق هیچ چیز

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

● آسیب شناسی جنبش سندیکاخواهی نوین - رضا فراهانی

● چرا سندیکای کارگری بر اجرای قانون اساسی تاکید دارند - مازیار گیلانی نژاد

● گزارشی کوتاه از فراز و فرود سندیکای کارگران فلزکارمکانیک



به مناسبت جنبش 99%

علی مرندی (کارگر)

ملت یکدل

کشته ها یکسر به حاصل می رسد

ملت خلاق و یکدل می رسد

اندک اندک ره به منزل می رسد

بر مراد خویشتن در زندگی

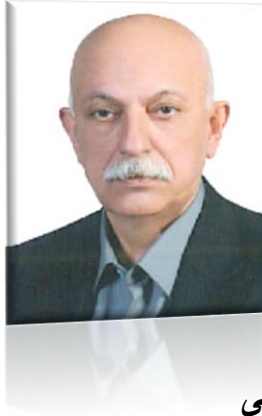
ناله ها فریاد از بیداد شد

ناگهان یکسر جهان فریاد شد

اندک اندک ناله ها فریاد شد

زنده ای را کس نمی بیند، خموش

آسیب شناسی جنبش سندیکاخواهی نوین 3



رضا کنگرانی فراهانی

عضو سابق هیات مدیره سندیکای کارگران خیاط (61-1360)

مقدمه

اقتدار میانی هستند چپاول کرده و به وسیله ارتش و پلیس و سازمانهای مخوف سرکوبگر تسلط خود را بر نیروی کار جامعه پیشرفته و ملت های عقب نگاه داشته اعمال میکنند. در طرف مقابل نیروی کار دستاورد هایی داشته که از شکل گیری افکار ناسیونالیستی دینی و اخلاقی به تشکیلات زمینی و اتحادیه های قوی انسانی تکامل پیدا کرده است.

انسانهای قرن نوزده و بیست توانستند با اتحاد و اتفاق تشکیلات و نهاد هایی مانند اتحادیه های کارگری و احزاب مدافع منافع طبقه کارگر بوجود آورند و با قدرت اتحاد مدرن، رفتار ظالمانه ی اربابان فنودال را از بین ببرند و جهانی صنعتی و مدرن به وجود آورند. این مرحله از رشد ابزار تولید مناسبات مربوط به آن شکل استثمار انسان را تغییر داد. علیرغم مدرن شدن ظاهر جوامع پیشرفته اما بردگی و بهره کشی در اکثر نقاط جهان با شکل مدرن به صورت پنهانی، شرایط جنگل را حفظ کرده است. در دامن طبیعت زورمندان پیروز اند.

برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی

که در نظام طبیعت ضیف پا مال است

جامعه بشری بلافاصله بعد از رشد ابزار تولید و بهره مندی از ماهیت کاشت، داشت و برداشت به جامعه ی طبقاتی تبدیل شد. کار روی زمین سخت بود در نتیجه انسانهایی زورمند که در جنگهای قبیله ای پیروز می شدند انسانهای مغلوب را وادار میکردند روی زمین کار کنند و بهره کار آنها را به انبارهای قبیله پیروز می ریختند و درحد اتزاق روزمره غذایی درحد زندگی حیوانی به آنها می دادند. تمدنهای برده دار و شهر نشینی و بهره کشی در شهرهای بزرگ را با نیروهای عضلانی و فکری بردگان مغلوب بوجود آوردند و گسترش دادند گزارش بهره کشی انسان از انسان غم نامه های بزرگی بوجود آورد. ادبیات و فرهنگ بشری بر پایه جنگ، ستیز، خون ریزی، جنایت، محرومیت و رنج اقوام مغلوب و ستم دیدگان شکل گرفت. انسان تلاش کرد با نوزایی فرهنگ دینی و مبارزه فرهنگی و اخلاقی با ستم طبقاتی در افتاده و شدت استثمار انسان از انسان را کاهش دهد. گذار خونین و پر از قتل و غارت از نظام برده داری بشر را به دوران فنودالیته و البته از آنجا به صورت بندی اجتماعی سرمایه داری هدایت کرد. در تمام تاریخ پُر افت و خیز بشری طبقات اجتماعی متخاصم سعی کرده اند موقعیت خود را بهتر کنند. بردگان، دهقانان و کارگران که در طول تاریخ همیشه تحت ستم بوده اند و جان و مال و حیات فرزندانشان در ید قدرت زورگویان بوده است، تلاش داشته اند با اتحاد و اتفاق از حیات فرزندانشان دفاع کنند. ابزار های گوناگون اندیشه و عمل به صورت ادیان گوناگون آسمانی و فلسفه های مصلحین اجتماعی که با طرح های قابل لمس زمینی سعی داشته اند شدت استثمار را کاهش دهند با اشکال های گوناگون و رنگ و وارنگ ظهور و مبارزه کرده اند. هرچند نتایجی ضعیف بدست آوردند تا اینکه جامعه سرمایه داری شکل گرفت. جامعه ای که اربابان آن صاحبان ابزار تولید هستند. کارخانجات بزرگ و صنایع زنجیره ای، بانک هایی که متعلق به تراست های بزرگی است که اربابان سرمایه در تشکل های مالی مدرن به وجود آورده اند. سرمایه داری حاصل کار مهندسی و متخصصین و مبتکرین جامعه را که متعلق به طبقه کارگر و

قوی شدن انسان زحمتکش

یک انسان زحمت کش که بجز نیروی کار خود چیزی برای فروش ندارد چگونه می تواند این نیرو را که تنها وسیله ای است که جهان امروز را ساخته است به قیمت واقعی بفروشد؟

اگر افراد جامعه جدا جدا هر کدام به خود فکر کرده و سعی کنند گلیم خود را به تنهایی از آب بیرون بکشند بطور حتم زندگی آنها را سیلاب خواهد برد. تنها در سایه اتحاد است که افراد قوی میشوند و با وجود اتحادیه های نیرو مند کارگری است که کارگران و مزد و حقوق بگیران می توانند حرمت و الای انسانی خود را حفظ کنند و نگذارند حقوق شان پامال شود. [چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است.]

سندیکا چیست؟

سندیکا یا اتحادیه کارگری سنگریست برای مبارزه کارگران با هدف بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی کارگران یک کارخانه یا چندین واحد تولیدی یا خدماتی در یک صنف یا صنعت. در آغاز تشکیل سندیکا، کارگران یک هیات موسس بوجود می آورند. وظیفه هیات موسس این است که از تمامی فعالین و نیرو های زبده کمک بگیرد. اجتماعاتی را بوجود آورده کمک های مالی جمع کنند و سرانجام روز مجمع عمومی تعیین نمایند. وظایف مجمع تصویب اساسنامه ای است که هیات موسس و علاقمندان سندیکا پیش نویس آنرا به مجمع تقدیم می کنند. وظیفه ی دیگر مجمع انتخاب هیات مدیره و بازرسین است که خود داوطلب شده یا توسط دیگران پیشنهاد شده اند. هیات مدیره با رای مخفی کارگران انتخاب می شوند و برای مدتی مشخص مسئولیت هدایت کارگران صنف خود را در مسیر بهبود شرایط کار و زندگی به عهده می گیرند. سندیکا یک تشکیلات هرمی نیست که افراد هیات مدیره، دبیر یا رییس هیات مدیره بتوانند بصورت فردی و خود محورانه تشکیلات را مطابق میل و سلیقه شخصی یا منافع فردی اداره کنند. خلاقیت ها و توانایی ها همه باید در خدمت منافع جمع باشد تا فرد در کنار جمع احساس آرامش و امنیت کند. طبق سنت سندیکایی و مصوبات منشور جهانی سندیکایی، هیات مدیره موظف است بلافاصله بعد از انتخابات کمیسیون های سندیکایی را تشکیل دهد. کمیسیون تبلیغات، تشکیلات، مالی، حقوقی، دبیرخانه و بنا به نیاز و میزان رشد جامعه، کمیسیون های لازم دیگر را. کمیسیون ها توسط افراد هیات مدیره هدایت میشوند و فعالیت و همکاری و همفکری با هیات مدیره را به شکل دمکراتیک سازماندهی می کنند. اعضای هیات مدیره ابتدا در جلسات داخلی، بین خود تقسیم کار میکنند و به نسبت توان و قدرت افراد مسئولیتهای تشکیلاتی را بر عهده می گیرند. این مسئولیت ها هیچگونه برتری یا امتیازی برای افراد ایجاد نمی کند. دبیر یا رییس هیات مدیره در جلسات یک رای دارند و در راه اداره سندیکا بایستی تابع اساسنامه و مصوبات هیات مدیره باشند. تقسیم مسئولیت ها طبق توانایی های افراد و با رای مخفی واگذار میشود، البته این شکل میتواند

اشکالاتی داشته باشد. به این صورت که افرادی که کمتر شناخته شده اند و رای کمتری به دست آورده اند و دارای توانایی ها و استعداد های بالایی هستند به خوبی و در سمتی که توانایی آن را دارند قرار نگیرند. البته در دراز مدت توانایی ها بروز میکند و افراد در جای خود قرار می گیرند. کمیسیونهای سندیکایی وظیفه دارند افراد علاقمند به فعالیت سندیکایی را از بین اعضا سندیکا دعوت به همکاری کنند و با جلسات مجزا در چهار چوب وظایف خود، مسائل درون صنف و شیوه های تقویت سندیکا را از درون ذهن کارگران آگاه بیرون کشیده و به جلسات هیات مدیره بیاورند. به این وسیله هیات مدیره را تقویت کرده و با خرد جمعی سندیکا را هدایت کنند. به این شکل سندیکا دائما با کارکنان صنف خود در ارتباط است و میتواند از انتقادات و پیشنهادات فعالین و اعضا بهره مند شوند هیات مدیره سندیکا به منزله مغز یک واحد و کمیسیون ها سیستم استخوانی یک تشکیلات رامی سازند. این سیستم استخوانی و عصبی سندیکا با عضلاتی قوی میشود که این عضله را تعداد اعضا و رابطه سالم با بدنه صنفی میسازند. هر چه تعداد افراد عضو یک سندیکا بیشتر باشد، این سندیکا عضلاتی قوی خواهد داشت. سندیکا ستیزان و قدرتمندان ضد اتحاد همیشه تلاش دارند رابطه یک تشکیلات را با اعضا آن مخدوش کنند و هیات مدیره و فعالان سندیکایی را از حمایت صنف خود محروم کنند. آن زمان است که می توانند و می شود با اعضا سالم و مبارز هیات مدیره برخورد خشن و غیر قانونی کنند و عدالت خواهان را از صحنه ی تلاش صنفی و اجتماعی دور کرده و از وظیفه ی انسانی و اخلاقی خود باز دارند.

اتحاد گرایان از ابتدای شروع فعالیت های سندیکایی و طبقاتی به یک نوع اخلاقیات مشهور و پایبند هستند و آن اعتقاد به وجود استثمار فرد از فرد، ستم طبقاتی و ضرورت مبارزه با این آفت اجتماعی و حداقل کم کردن شدت استثمار در جامعه هستند.

اتحاد گرایان، همه ی هوش و توانمندی های خود را در تمام زندگی صرف می کنند که نیروی زحمتکششان و حقوق بگیران برای گرفتن حق واقعی خود اقدام کنند، دست در دست هم زنجیران خود بگذارند و در مسیر کسب حقوق از دست رفته مبارزه کنند.

دولت سرمایه دار با استفاده از نیرو های سرکوبگر خود و تمامی حقه ها و حیلها که روشنفکران سرمایه داری به آنان می آموزند سعی دارند قدرتی را که بدست آورده اند در خدمت استثمار بیشتر نیروی کار اعمال کنند. * استثمار و غارت بیشتر، ثروت بیشتر و ثروت بیشتر، قدرت بیشتر را برای سرمایه داران بوجود می آورد. لذت اقتدار گرایان از داشتن ثروت و قدرت بیشتر، حتی شرم و آزرمنی و ظلم مضاعف را از بین می برد. به حدی که اکثر سرمایه داران در مقابل فقر و فلاکت اکثریت جامعه نه تنها احساس مسئولیت نمی کنند، بلکه با ایجاد زمینه برای اعتیاد به مواد مخدر در بین زحمتکششان و یا گسترش فساد و فحشا، درماندگان جامعه را به فلاکت بیشتر می کشاند که همت-غیرت و قدرت-همبستگی و اتحاد روشن و سالم را از آنها بگیرند.

رقابت در بین رهبران اتحادیه ها عمل به اخلاق سالم اتحاد گرایی است نه کسب شهرت و ثروت و موقعیتهای فردی و خود خواهانه رعایت این نوع اخلاق جز تحمل سختی ها و محرومیت ها و مشقت برای کنشگر اجتماعی و خانواده او چیزی در بر ندارد. اما عزت و افتخار رهبران مردم گرا حرکت در مسیر تکامل تاریخ بوده و هست. اگر انسان مبارز در سنگر های اتحادیه و احزاب مبارزه نمی کرد جامعه ی بشری به این نقطه از تکامل تاریخ دست نمی یافت و قانون جنگل هنوز ادامه داشت.

* * * * *

اتحادیه های کار فرمایی شکل و منش دیگری دارند یک رهبر اتحادیه صنعتگران و کار آفرینان در بهترین حالت خود به اتحاد صنعت گران پایبند است چون حرفه ی خود را دوست دارد به صنعتی که در آن رشد کرده عشق می ورزد و به کاری که در زندگی باعث شهرت و ثروتش شده است افتخار می کند. صنعتی را که در آن رشد کرده و خود نیز باعث رشد آن شده برای جامعه لازم و مفید می بیند. تکامل هر چه بیشتر صنعت مورد علاقه ی خود را باعث ایجاد کار سالم در جامعه می داند و آرزو می کند حرفه ی او برای جوانان شغل عزت و افتخار و ثروت و آسایش به وجود آورد چنین انسانی قدرت را در تحقیر مزد بگیران و کارکنان صنعتی نمی داند، بلکه تشویق جوانان به کسب دانش پیشبرد علم و رقابت سالم در زمینه های گوناگون اختراع و ابتکار را وظیفه ی انسانی خود می داند. چنین فردی به رشد مدارس حرفه ای و دانشگاه های صنعتی و در مجموع همه علوم به خصوص علوم انسانی علاقه مند است، چرا که علوم انسانی، حقوق، تاریخ اخلاق، فلسفه باید رشد کنند تا انسان ها بتوانند ارزش کار مبتکرین، صنعتگران و مخترعین و مکتشفین را بشناسند و به کار خلاقه احترام بگذارند. یک رهبر اتحادیه صنعتی در برابر تمامی قوانین ظالمانه موضع منفی دارد، چرا که میداند با شلاق می شود سود کار یدی را به دست آورد اما فعالیت ذهنی ابتکار و اختراع در شرایط رضایت و سلامت نیروی کار بازدهی صد چندان دارد. در نتیجه عقلانیت حکم میکند که کار فرمایان حتی نگران تفریح و تفرج کارگران خود نیز باشند. این تفکر متعلق به صنعتگرانی بود که با خلاقیت و ابتکار صنایع جامعه ی بشری را تا این مرحله رشد دادند، اما در حال حاضر و به خصوص در جوامع نفت فروش و حاکمیت های دلال، داشتن مدیر و نماینده ای با چنین خصوصیت های اخلاقی آرزویی محال نباشد کیمیایی کمیاب است.

محمد فراهانی عضو سابق هیات مدیره سندیکای کارگران خیاط تهران
1390/6/30

آنها اتحاد مردم را به صورت گله وارو بی شکل و تنها برای حمایت از قدرتمندان و افراد در راس هرم قدرت میخواهند و ترویج میکنند. سرمایه داری اتحادیه هایی را که با هدف روشن، محو و یا کم کردن استثمار به وجود میآیند با تمام قدرت نابود میکنند.

این جدال بزرگ در تاریخ بشر مبارزه ی طبقاتی نامیده شده و کنش گران اصلی آن طبقه ی سرمایه دار و در مقابل مزد و حقوق بگیران هستند. اهمیت این مبارزه از طرف نیروی کار به حدی است که آینده بشریت و رشد و تعالی و ترقی انسان را به درستی و یقین در محو استثمار میدانند. دلسوزان و متفکرین و احزاب سیاسی طبقه ی کارگر افزون خواهی و ادامه ی تجاوز سرمایه داران به حقوق نیروهای کار فکری و یدی و محیط زیست را عامل نابوی جامعه انسانی میدانند و پایه های اخلاقی اجتماعی را تن ندادن به تحقیر دسته جمعی انسانها و ایجاد اتحاد برای کند کردن شدت استثمار و تجاوز به محیط زیست انسانها میدانند. پس به هزاران دلیل روشن و واضح عالی ترین صفت و با اهمیت ترین خصوصیت برای انسان مدرن و متعهد داشتن اخلاق اتحاد گرایانه و اقدام عملی برای به دست آوردن ابزار مدرن برای مبارزه با دشمنان انسانیت و تخریب گران سلامت مردم و محیط زیست است.

یک اتحادیه سراسری که از قدرت و حضور اکثر مزد و حقوق بگیران به وجود آمده دارای حقوق بسیاری در عرصه ی جامعه است. کارگران - معلمین - کارمندان حتی اساتید دانشگاهها آنهایی که با فروش نیروی کار فکری و یدی و دریافت مزد و حقوق زندگی می کنند و مالک ابزار تولید نیستند نیروی کار جامعه محسوب میشوند. نیروی کار جامعه اکثریت مطلق افراد جامعه را تشکیل می دهد فرزندان آنها در مدارس و دانشگاه ها ی کشور به تحصیل مشغول اند پس کیفیت تحصیلی و شرایط تحصیلی آنها از ابتدائی تا دانشگاه به اتحادیه های کار مربوط می شود. اتحادیه ها می توانند و باید در زمینه ی کیفیت تحصیلی فرزندانشان مداخله کنند و اگر کاستی هایی وجود دارد که به فرهنگ جامعه آسیب می رساند و یا سلامت فرزندان انسان را تهدید میکند باید علیه آن اقدام کنند. آلودگی هوای شهر - آلودگی آبها - کیفیت راه ها و کار راهنمایی و رانندگی و همه چیزهایی که به امنیت اجتماعی افراد جامعه مربوط می شود عرصه هایی هستند که اتحادیه های سراسری می توانند در آنها ورود کرده و برای بهبود آن اقدام کنند. سلامت محیط زیست و سلامت رابطه های انسانی تنها با اتحاد انسانها و به رسمیت شناختن حقوق یکدیگر تامین می شود. تشکیل اجتماعات اعتراض تشکل ها و اتحادیه ها از حقوق مسلم انسانها ست و قدرت های حاکم حق جلوگیری از تشکل مردمی و اجتماعات آنها را ندارند. در اغلب یا تمامی کشور های جهان این حقوق [حق تشکل و تجمع] در قوانین به رسمیت شناخته شده ولی سرمایه داران و عوامل آنها با قانون شکنی و تعدی و تجاوز غیر قانونی به سرکوب سندیکا ها و اتحادیه ها اقدام می کنند. پس اخلاق اجتماعی حکم میکند که در برابر این تجاوزات خاموش نباشیم و در سکوت و تسلیم، به مرگ و ننگ خود و فرزندانمان رضا ندهیم.

خبرنامه فلز کار

شماره 38

کارخانه ها و بیکار شدن کارگران، استخدام نکردن 123 هزار آموزگار در بخش آموزشی، مالیات بر ارزش افزوده و افزایش 9 درصدی حداقل حقوق کارگران ترجمه مشکلات کارگران یونانی به فارسی است.

***ادامه اعتراض کارگران در مجتمع پتروشیمی ماهشهر.** نمایندگان کارگران می گویند وجود تبعیض در مزایا، دیر پرداخت شدن دستمزدها و مشکل بیمه، گریبان کارگرانی را گرفته که در استخدام شرکت های پیمانکار واسطه هستند.

*** قذافی پس از 43 سال دیکتاتوری در یورش مخالفانش کشته شد.** او که تحمل هیچ گونه تشکیلاتی را نداشت بدست مخالفین رنکارنگش از سلطنت طلبان تا اعضای القاعده و اعضای ارتش و هیات دولتش سرنگون شد تا بار دیگر ثابت شود که نمی توان بدون آزادی حکومت کرد. با این حال باید اذعان داشت که تحصیلات در لیبی مجانی بود، خدمات پزشکی و بهداشتی گسترده ای وجود داشت، مسکن و حمل و نقل، بدلیل وجود سوبسیدهای دولتی ارزان بود. باید صبور بود و دید آیا مخالفانش می توانند همین حداقل ها را در لیبی احیا کنند و یا سر به ریسمان سرمایه داری خواهند سپرد. آینده قضاوت خواهد کرد. **تحریریه فلز کار**

*** وضعیت معیشتی کارگران نگران کننده است.** آقایارحسینی دبیر اجرایی خانه کارگر: اصلاحیه قانون کار مشکل بیکاران را حل نمی کند، بلکه باعث بیکاری بیشتر کارگران می شود. خروج کارگاههای سه نفره و 5 نفره و 10 نفره از شمولیت قانون کار نتوانست مشکلی را از بیکاران حل کند، بلکه شاهد تعدیل و اخراج تعداد زیادی از کارگران در سالهای گذشته بودیم. آمار اخراج کارگران در سالهای اخیر در استان خوزستان بیشتر از اشتغال زایی بوده و ما شاهد اخراج کارگران و تعطیلی کارگاهها در این استان هستیم. تعطیلی کارخانه های قند اهواز، دزفول، نوشابه سازی آرسو، خرم دوش، زمزم اهواز و خرمشهر و عدم پرداخت حق بیمه این کارگران باعث مشکلات فراوانی برای خانواده های آنان شده است. میانگین تاخیر در پرداخت حقوق بعضی از کارگران شهرداری ها بالای سه ماه است.

*** نماینده اهواز در مجلس:** مشکلات لوله سازی خوزستان با بازنشستگی تعدادی از کارگران حل نخواهد شد. این شرکت نیازمند فعالیت مجدد و آغاز به تولید محصولات است. تعطیلی این کارخانه به ضرر استان و صنعت کشور خواهد بود. وی در مورد پرداخت 2 ماه حقوق کارگران لوله سازی خوزستان توسط امیر منصور آریا در اوایل سال جاری گفت: این شخص برای اخذ تسهیلات و امتیازات اقدام به این کار کرد تا با فریبکاری بتواند پروژه هایی در خارج استان بگیرد.

*** تظاهرات در یونان در اعتراض به تصویب طرح جدید ریاضت اقتصادی**

پزشکان، راننده های تاکسی و اتوبوس، زندانبانان، معلمان، کارمندان بانکها و امور مالیاتی به این اعتصاب پیوستند. به موجب طرح ریاضت اقتصادی، مالیاتها افزایش یافته و حقوق و دستمزد کارگران کاهش می یابد و 30 هزار کارمند بخش دولتی نیز اخراج خواهند شد. همچنین قراردادهای کارگروهی نیز تعلیق خواهد شد. آرمان 90/7/30

*** درآمد 30 میلیارد دلاری عربستان از حج.** برآوردها نشان می دهد که سالانه ایرانیان در موسم حج بطور متوسط بیش از 5 میلیارد دلار در عربستان هزینه می کنند. ضمن اینکه تعداد عمره گذاران در سال 90 به مرز 800 هزار نفر رسیده است. آرمان 90/8/1

تحریریه فلز کار - آنچه در یونان ریاضت اقتصادی عنوان می شود، در کشور ما با هدفمندی یارانه ها در حال اجراست. سلاخی کردن قانون کار، افزایش قیمت انرژی و در پی آن تعطیلی

گسترش حضور چین در بازارهای کشورشان راندارند، برانگیخت. اما امیدی ازسوی برادر بزرگتر، آمریکا، که در بحران و آشفتگی نظام امپریالیستی اش غوطه ور است، نیست. تعداد کشورهای اروپایی که از بحران درامانند، همچون سوییس و نروژ، توان مالی به اندازه چین برای نجات اروپا را ندارند. چین با دارا بودن ذخیره بیشتری از یورو در موقعیت بهتری قرار دارد. این کشور بزرگترین ذخیره ارزی جهان را در اختیار دارد و هم اکنون بزرگترین صادرکننده جهان است. نکته مهم و قابل تامل اینست که چرا کشورهای قدرتمند اروپایی و آمریکایی و آسیایی امروز در بحران غرق شده اند، ولی کشورهایمانند چین و ویتنام ازاین بحران دورمانده اند؟ چه فرقی است بین نظام سرمایه داری و نظام شورهای چین، ویتنام، کوبا، و تا حدودی برزیل و ونزوئلا؟ چین با داشتن 1/5 میلیارد جمعیت در موقعیتی قرار گرفته که نه تنها از این بحران دورمانده بلکه به کشورهای سردمدار سرمایه داری کمک نیز می کند. چین، کوبا، ویتنام، برزیل و ونزوئلا با پشت کردن به سیستم سرمایه داری، نظامی را برای خود برگزیده اند که امروز برتریش رابه نظام انسان کش سرمایه داری به اثبات رسانده است. **تحریریه فلزکار**

* دلار آزاد 1317 تومان، دولتی 1085 تومان. بانک مرکزی ارز را سه نرخی کرد. آرمان 90/8/11

تحریریه فلزکار - تفاوت قیمت دلار دولتی و دلار آزاد به جیب چه کسانی می رود؟ چون بانک مرکزی و دولت عرضه کنندگان اصلی نرخ ارز هستند می توانند نرخ ارز را مدیریت کنند. در اقتصاد ایران به دلیل اینکه هنوز در زمینه تولید دچار مشکلات فراوانی هستیم و صادرات غیر نفتی مان جدی نیست، پس خیلی مهم است که مدیریت اقتصادی مشخصی برای بازسازی صنایع و تولید داشته باشیم و بتوانیم بخش تولید را بازسازی کرده و نوسان ارز را کنترل کنیم. اجازه دادن به اینکه نرخ ارز یکباره افزایش یابد و چند نرخی شود درچنین شرایطی به نفع ما نیست. بانک مرکزی در بعضی مواقعی که میخواهد ارز را برای کسب بودجه دولت بفروش برساند، اجازه می دهد نرخ ارز افزایش یابد، و اگر بخواهد واردات بیشتری صورت بگیرد، نرخ ارز را ثابت نگه داشته و یا کاهش می دهد. چند نرخی شدن ارز باعث بوجود آمدن امتیازاتی برای کسانی که در عرصه واسطه گری هستند این امکان را می دهد که مواد اولیه را احتکار کنند و در موقع گرانی بفروش برسانند و یا صرافانی که ارز دولتی را گرفته پس از چندی بفروش برسانند و باعث تضعیف پول ملی و کاهش قدرت خرید مردم می شوند.

* هزاران واحد مسکونی مهر در حال افتتاح است، حال آنکه انشعابات آب، برق، گاز، تلفن، فاضلاب آنها هنوز تامین نشده است. مقدار همتی مشاور وزیر راه و شهرسازی و نماینده ویژه وزیر در افتتاح های مسکن مهر با بیان اینکه دیگر کاری از عهده وزارت راه و شهرسازی بر نمی آید گفت: این وزارتخانه تمام 15000 واحد را با حضور رییس جمهور در آبان ماه افتتاح خواهد کرد که 7000 واحد آن بدون برق و 3000 واحد آن بدون انشعاب آب و فاضلاب است. در حال حاضر وزارت نیرو هنوز توانایی رساندن تاسیسات زیربنایی برای 15000 واحد افتتاحی استان تهران تا آبان ماه را ندارد. در شهریور ماه تعداد 24000 واحد در شهر پرند و 6000 واحد در شهر جدید هشتگرد و پردیس آماده افتتاح بود ولی متأسفانه وزارت نیرو نتوانست به وعده های خود مبنی بر رساندن آب و برق و شبکه فاضلاب عمل کند.

* جزییات تخلف 1000 میلیاردی در تامین اجتماعی

تامین اجتماعی با دارا بودن 150 کارخانه مدت 60 سال هیچ نظارتی بر عملکردش نشده است. عضو کمیته تحقیق مجلس: هیات رییس مجلس به هیچ عنوان با تیم تحقیق همکاری نداشت و موانعی را سد راه ما می کرد. حتا زمانی که از یک شرکت خواستیم تا اسناد بلا تکلیفی 70 میلیارد تومان از سرمایه خود را ارائه کند، هیات رییس مجلس دستور داد تا کار همانجا متوقف شده و دیگر ادامه ندهیم. اموال 30 میلیون بازنشسته تامین اجتماعی را تبدیل به شرکتهای خانواده گی کرده اند و تمامی قراردادهای کوچک و بزرگ به فرزندان و بستگان ... واگذار شده بود. برخی از نمایندگان در برخی از این شرکتهای ورود پیدا کرده و در تخلف مالی آنها شریکند. بطوریکه تخلفات برخی از نمایندگان در این فساد مالی محرز و مستند است. به مدیری برخوردیم که کارخانه ای را بیش از 300 میلیارد تومان اضافه بر قیمتش خریداری کرده و به عنوان تشویق پادشاهی 450 میلیونی تا یک هزار سکه ای به برخی افراد و کارکنان داده است. آرمان 90/8/10

* بحران در کشورهای سرمایه داری و شکوفایی در چین کارگری

تعداد کشورهایهایی که به وضعیت بحرانی یونان رسیده اند در حال افزایش است. اوضاع ایتالیا بسیار وخیم است و بدهی های سنگینی دارد. حتا آلمان که به عنوان پیشرفته ترین اقتصاد اروپا معروف است در حال حاضر میزان بدهی اش بیش از 80 درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهد. و این در حالی است که چین در حدود 3 تریلیون دلار ذخیره ارزی دارد و با توجه به ظرفیت های خود می تواند کمک قابل توجهی را برای گذار اروپا از بحران فعلی اختصاص دهد. اما مسئله مهم اینجاست که اتحادیه اروپا به عنوان بلوکی قدرتمند با دریافت پول بیشتر از سوی چین دیگر جایگاه سابق را نخواهد داشت. روی آوردن اروپا به چین واکنش منفی شهروندان اروپایی را، که تمایلی به

*** احضاریک فعال کارگری به زندان. علی اخوان فعال کارگری
برای گذراندن محکومیت حبس خود به زندان احضار شد**

- درحالی که اختلاس گران با پشتیبانی سرمایه داری انگل تجاری و با گذاشتن وثیقه های چند صد میلیاردی آزادانه به زندگی انگلی و خائنانه خود ادامه می دهند و خاوری ها به پاس خیانت به مردم ایران و خارج کردن 3000 میلیارد تومان ثروت زحمتکشان و سر سپردگی به سرمایه داری جهانی برای استراحت به مهد سرمایه داری می روند، باید فعالان کارگری این دشمنان اصلی سرمایه داری زندانی شوند. ما این رویه دشمن شادکن را محکوم کرده، ابطال حکم حبس این فعال کارگری را خواستاریم. کارگران فلزکارمکانیک

تحریریه فلزکار - با مرگ بزرگترین کارخانه تولید کننده نخ نایلون در خاورمیانه و سرگردانی 1550 کارگر، سرمایه داران با دستاویز قراردادن بهسازی این شرکت و گرفتن وامهای آنجانی نه تنها کارخانه بهسازی نشد بلکه با فروش زمینهای کارخانه با خیال راحت به وارد کردن نخ نایلون مبادرت خواهند ورزید و گامی دیگر برای هر چه وابسته تر شدن اقتصاد ایران به سرمایه داری جهانی برداشته شد.

* علی نجاتی کارگر بیکار شده نیشکرهفت تپه و از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکرهفت تپه بازداشت و روانه زندان شد. احضار و زندانی شدن فعالان کارگری، آنها درهنگامه بررسی قانون کار و تلاش سرمایه داری انگل تجاری برای نابودی دستاوردهای طبقه کارگر حکایت از عزم سرمایه داری برای پیاده کردن آنچه در یونان و آمریکا بر سر زحمتکشان آورده است، دارد. ما بازداشت علی نجاتی را محکوم کرده و خواهان آزادی همه فعالین کارگری بخصوص ابراهیم مددی، رضاشاهی، علی نجاتی، و سایر سندیکالیست های زندانی هستیم. کارگران فلزکارمکانیک

باز زمستان نرفت

از در بستان برون

باز بر آن خیمه زد

با ستمی بس فزون

بر سر هر رستنی

چنبره سرما زده

سر نکشد از زمین

هیچ گیاهی کنون

رفت گمان دسترس

گشته بهاران ولی

بوی بهار امد از

پشت جبال قرون

بهبروز

اصلاحیه ای بنام نابودی قانون کار

آنچه در اطلاعیه قبلی پیش بینی کرده بودیم متأسفانه به وقوع پیوست. نگاه عقب مانده ای که در سال 1360 با شور انقلابی و آگاهانه زحمتکشان با قدرت سندیکاهای کارگری سرکوب و به عقب رانده شده بود، امروز با اتکا به سرکوب سندیکاهای کارگری و با زندانی کردن فعالین کارگری با هر اندیشه ای، و با حربه بیکاری و گرانی، حمله به دستاوردهای یکصد ساله طبقه کارگر را آغاز کرده است. این تهاجم به بهانه حذف مواد دست و پا گیر کارفرمایان همچون بیمه، بن کارگری، سنوات و یا مزد منعطف برای رونق فضای کسب و کار، و با تفکر شیوه استاد شاگردی مطرح گشت. در راستای این تفکر، اصلاحیه ای برای حذف قانون کار در وزارت کار تدوین و هفته دیگر به مجلس ارائه خواهد شد. اصلاح قانون کار در چارچوب سیاست های هدفمندی یارانه ها نمی تواند تامین کننده منافع کارگران و همه مزدبگیران باشد. سرمایه داری جهانی با همدستی سرمایه داری انگل تجاری داخلی نه تنها استقلال و آزادی ما را بلکه نان فرزندانمان را نیز هدف گرفته است.

ما باز هم تکرار می کنیم، نخواهیم گذاشت آنچه دستاوردهای یکصد ساله مبارزات خونین پدرانمان است با توصیه های سرمایه داری جهانی و تهاجم سرمایه داری انگل تجاری داخلی، از بین برود. سی سال نادیده انگاشتن حقوق زحمتکشان کافی است. داشتن قانون مترقی و حامی زحمتکشان "تعمیق تامین اجتماعی، ریشه کن شدن فقر و محرومیت، امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی و سیاسی و اجتماعی، شرکت فعال در رهبری کشور، جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور" که در قانون اساسی نیز تاکید شده، از حقوق اولیه و مسلم ماست و خواستار اجرایی شدنش هستیم.

دوستان کارگر

بی تردید خواست ما آسان نیست، اما اتحاد و عزم ما و تجربه درخشان پیشکسوتان کارگری پیش روی ماست. تصمیم امروز ما برای داشتن زندگی انسانی، آینده ای روشن را برای فرزندانمان به ارمغان خواهد آورد.

کارگران فلزکار مکانیک 1390/8/25

چرا سندیکاهای کارگری بر اجرای قانون اساسی تاکید دارند؟



مازیار گیلانی نژاد

سندیکاهای کارگری سازمانهایی علنی، دموکراتیک و غیرایدئولوژیک و طبقاتی هستند. می گویم طبقاتی یعنی جز کارگران آن واحد تولیدی و یا خدماتی کسانی دیگر حق عضویت در این سندیکاهای را ندارند. دموکراتیک هستند، یعنی خرد جمعی بر این سازمان حاکم بوده و تمامی قدرت خود را از رای کارگران گرفته و به آنان پاسخگوست. غیرایدئولوژیک هستند، یعنی هر کارگر با هر بینش سیاسی، مذهبی می تواند عضو سندیکا شود. علنی است یعنی مبارزه ای برای براندازی حاکمیت سیاسی نمی کند و این به عهده حزب طبقه کارگر است. سندیکاهای بدلیل فراگیر بودن می توانند بسیاری از کارگران را در خود متشکل کرده و دست به مبارزه اجتماعی و اقتصادی برای بهبود شرایط کار و زندگی خود بزنند. سندیکاهای در هر کشوری، قوانین کشور خود را پایه ای برای تغییرات قرار داده و با این حداقل ها دست به مبارزه برای کسب خواسته های حداکثری خود می زنند.

متأسفانه بسیاری از گرایشهای درون جنبش کارگری سندیکاهای را با حزب طبقه کارگر اشتباه گرفته و سعی می کنند تمامی وظایف حزب طبقه کارگر را از سندیکاهای کارگری توقع داشته باشند. سرفرازی طبقه کارگر ایران این است که «توانسته مهر خود را حتی به گونه ای کمرنگ» در تمامی مبارزات کارگری و آزادیخواهانه بزند و همیشه در خط اول مبارزات عدالت خواهانه قرار داشته باشد، و این را شهدای سرفراز این طبقه از سید مرتضی حجازی کارگر سندیکای چاپ، شهادت 1307 تا محمد جانجانیان کارگر سندیکای بافنده سوزنی، شهادت 1357، از یکصد سال پیش تاکنون گواهی می دهند.

گرایشهای غیر سندیکایی ما را همیشه به «رفرمیست بودن، عجز در مقابل سرمایه و تن دادن به سرکوب و پایمال شدن حقوقشان توسط دولت سرمایه داران» متهم کرده اند. این دوستان نمی گویند توانایی شان در مقابل سرمایه چیست؟ و چه کرده اند که حقوقشان پایمال نشود و غیر رفرمیست بودن چگونه است؟

سندیکاهای علنی هستند، یعنی همه می توانند اعضای هیات مدیره و فعالین سندیکایی را در محیط کار و زندگیشان ببینند. اینها در خطوط اتوبوسرانی تهران یا در مجتمع نیشکر هفت تپه و یا در کارگاههای تراشکاری و جوشکاری و ریخته گری و یا در کارخانه های ماشین سازی کار می کنند و به حل مشکلات همکارانشان کمک کرده و در حد توانایی اشان حتی مشکلات

خانوادگی و خصوصی آنها را رفع می کنند. یعنی قابل دسترسی برای همه بخصوص همکارانشان هستند. وقتی ما علنی هستیم، مسلماً باید با قوانین جامعه مان زندگی کنیم و نمی توانیم آن را نادیده بگیریم. اگر در خانه ما سرقتی صورت بگیرد چه باید بکنیم؟ منتظرانقلاب کارگری باشیم یا به کلانتری رفته بدنبال سارق اموال مان باشیم؟ ما که در متن زندگی هستیم «نمی توانیم زندگی را وارونه نشان داده و آنرا تحریف کنیم».

حال اشاره ای به آنچه گرایشهای غیرسندیکایی آنها توانایی کارگران می دانند، می کنیم. آیا شورش های کور و سازماندهی نشده کارگران مس خاتون آباد شهر بابک، اعتصابات پی در پی کارگران لاستیک سازی البرز را می توان توانایی این کارگران دانست؟ و با اعتصاب متشکل کارگران شرکت واحد مقایسه کرد؟ آیا این شورشها دستاوردی برای این کارگران داشته و یا فقط حفظ لذت را برای کسانی که خبر ندارند بر سر این کارگران پس از آن چه آمد و چه هزینه هایی را پرداخت کرده اند، را برانگیخت؟ آیا حمله کارگران خاتون آباد به فرمانداری و کشته شدن 4 کارگر بی گناه را می توان ارتقا جنبش کارگری دانست؟ واقعا دستاورد این حمله چه بود؟ چهار خانواده داغدار کارگر پس از این چه کردند؟ آیا به جنبش کارگری پیوستند و یا در فقر و بیکاری به سر می برند؟

اعتصاب کارگران شرکت واحد و تظاهرات و راهپیمایی کارگران نیشکر هفت تپه با سازماندهی سندیکا صورت گرفت. و

سندیکاها در گسترش تعاونی‌ها و قدرتمندی آنان و حذف دلالتان از عرصه اقتصادی و اجتماعی می‌کوشند.

مبارزات ما علیه سرمایه‌داری انگل تجاری، واسطه‌سندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی دقیقاً در راستای تقویت مبارزات کارگران دنیا و جنبش کارگری جهانی است. ما و برادران و خواهران کارگران در آسیا، آفریقا، آمریکا، اروپا، و اقیانوسیه درد شلاق نسخه‌های این سازمانهای امپریالیستی را فراموش نکرده ایم. این سازمانها با ارایه سیاست درهای باز به غارت سرمایه‌زحمتکش‌ان مکزیکی و برزیلی دست زده و با بدهکار کردن این کشورها و شیوع ایدز در آفریقا و هندوستان با همدستی سرمایه‌داران خائن این کشورها ثروت ملی و سلامت زحمتکش‌ان این کشورها را به یغما برده اند. دوستان غیرسندیکایی در مورد این غارت‌ها و دزدی‌های آشکار هیچ نمی‌گویند. طبقه کارگر برای حفظ ثروت ملی در حذف سرمایه‌دار انگل تجاری «سیاهی لشکر» هیچ طبقه‌ای نیست. امروز نسخه‌سندوق بین المللی پول یعنی هدفمندسازی یارانه‌ها و یا به دیگر سخن گرسنگی دادن به طبقه کارگر و غارت منابع ملی کشور در دست اجراست. ما عقایدمان را در رابطه با هدفمندی یارانه‌ها و سازمان تجارت جهانی و سندوق بین المللی پول گفته ایم، شما چه می‌گویید؟

اما این همه تاکید ما بر روی قانون اساسی بر سر چیست؟ در قانون اساسی اصولی وجود دارد که مورد پذیرش ماست. ولی پذیرش این اصول مانع از آن نیست که ما قوانین را به سمت خواسته‌های حداکثری خود نبریم. حال بخشی از این اصول را مرور می‌کنیم:

درمقدمه قانون اساسی در بخش شیوه حکومت در اسلام چنین نوشته شده است: «قانون اساسی تضمین‌گر نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط‌گسستن از سیستم استبدادی، در سپردن سرنوشت مردم بدست خودشان تلاش می‌کند» آیا سندیکا و خود شما در سپردن سرنوشت مردم بدست خودشان تلاش نمی‌کنید؟

«آموزش پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی و تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون، پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» (اصل سوم قانون اساسی) آیا شما با اجرایی شدن این اصل مخالفید؟

«هیچ مقامی حق ندارد بنام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند» (اصل نهم) آیا خواست شما و ما این نیست؟

«مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند اینها سبب امتیاز

دقیقاً دو سندیکا بدنبال کسب حقوق صنفی‌اشان دست به این حرکتها زند و توانایی‌اشان را در مقابل سرمایه‌نشان داده موقعیت خود را در جامعه تثبیت کردند. آیا مبارزه جنبش کارگری فقط در اعتصاب و درگیری و راهپیمایی و حمله خلاصه می‌شود؟ آیا کوشش سندیکای کارگران شرکت واحد در منع کسر مبلغی از حقوقشان برای شورای اسلامی کار و بازگرداندن این مبلغ که به مدت 15 سال از حقوق کارگران کسر می‌شد، به آنان، توانایی جنبش کارگری و سندیکایش نیست؟ و یا اگر مدیریت شرکت واحد با کارگران کار اداری دارد باید در وقت کاری این مسئله صورت بگیرد و یا گرفتن کت و شلوار و حق داشتن سرویس بهداشتی در پایانه‌ها و ارتقا شعور کارگران با انجام سخنرانی‌ها و دادن اعلامیه‌های روشنگرانه و کسب شخصیت برای اعضای سندیکایی در برابر کارفرما و کمیته‌های انضباطی و حتی کوشش کارگران سندیکایی شرکت واحد در حل مشکلات کاری که به مذاکره با رییس پلیس تهران، شهردار تهران و مدیرعامل شرکت واحد صورت گرفت، که همه به استناد به قانون اساسی و قانون کاربود، نشان عجز است یا توانایی؟ تحقیرآمیز و تحریف مبارزه کارگران است؟

دوستان غیرسندیکایی ناراحت می‌شوند اگر ایران را میهن عزیزمان بگوییم. فرق ما با آنها در این است که ما ایران را میهن زحمتکش‌ان می‌دانیم و آنان متعلق به سرمایه‌داران. آنچه ما می‌دانیم این است که میهن سرمایه‌داران مبالغه‌بانکی‌اشان است که هرگاه بخواهند با خود برداشته و گورشان را از میهن زحمتکش‌ان گم می‌کنند. ما قضاوت را به خوانندگان وامی‌گذاریم که ایران را متعلق به چه کسانی بدانند.

افشا نکردن ماهیت 2 سازمان امپریالیستی، سازمان تجارت جهانی و سندوق بین المللی پول که توسط سرمایه‌داران چند ملیتی اداره می‌شوند و به غارت منابع خلقهای زحمتکش دست یازیده اند، از طرف دوستان غیرسندیکایی قابل تامل است و متأسفانه این دوستان به تبیین دیدگاههای خود از سرمایه‌داری جهانی و مبارزه با آن در داخل و خارج از کشور و شیوه‌های مبارزاتی خود سخن نمی‌گویند. و اسفبارتر اینکه هیچ تحلیل طبقاتی از مبارزه لایه‌های مختلف سرمایه‌داری در داخل کشور برای ما بازگونی‌کنند. و این از عدم شناخت آنان از لایه‌های طبقاتی، آمال و ظرفیت‌های مبارزاتی هر طبقه و شرایط کشور می‌باشد. ما امروز سرمایه‌داری انگل تجاری را سد اساسی در مبارزات اجتماعی و تغییرات اجتماعی و اقتصادی به نفع زحمتکش‌ان می‌دانیم. واردات اهرم اصلی غارت ارزهای با ارزش منابع ملی توسط سرمایه‌داری انگل تجاری است. آنان با واردات منابع مالی که متعلق به زحمتکش‌ان است غارت می‌کنند، صنایع کشور را به رکود کشانده، کارگران را بیکار کرده به گسترش فقر و فحشا و اعتیاد و طلاق و خودکشی کمک می‌کنند. نمونه زنده این روند توقف تولید در لاستیک‌سازی البرز و کاهش تولید در صنایع نیشکر هفت تپه می‌باشد. حذف سرمایه‌داری انگل تجاری اولین قدم در راه تحولات اساسی کشور است. سندیکاها دشمن دلالتان و واسطه‌ها هستند و به همین دلیل

نخواهند بود» (اصل نوزدهم) آیا در این اصل اشکالی می بینید؟

«تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان بصرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد» (اصل بیست و سوم) آیا شما غیر از این می خواهید؟

«برخوداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی سرپرستی، درراه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی بصورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تامین کند» (اصل 29) آیا این اصل ضد کارگری است؟

«دولت موظف است وسایل آموزش پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور بطور رایگان گسترش دهد» (اصل 30) آیا این اصل به نفع سرمایه داران است؟

«داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند بخصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل فراهم کند» (اصل 31) آیا اجرای این اصل به نفع زحمتکشان نیست؟

«هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل قانون مجازات می شود» (اصل 38) آیا شما با این اصل موافق نیستید؟

«برای تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کردن فقر و محرومیت... 1- تامین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه. 2- تنظیم برنامه اقتصادی کشور بصورتی که شکل و محتوا و ساعات کارچنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد. 3- رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری» (اصل 43)

آیا این اصول مغایر با خواسته های طبقه کارگر است؟ آیا این اصول بخشی از دستاوردهای طبقه کارگر نیست؟ جنبش کارگری همدوش جنبش آزادیخواهی از مشروطیت تاکنون برای بند بند این اصول مبارزه کرده، کشته و زندانی گشته و در بدری و اخراج از کار را به جان خریده است به همین دلیل این اصول را دستاورد خویش می داند.

شما می گوئید: «اگر در قانون سرمایه داری ماده ای به سود کارگران وجود داشته باشد و استناد به آن بتواند به افزایش مادی و فکری برای مبارزه با سرمایه داری منجر شود، باید به آن استناد کرد» آیا ما غیر از این انجام داده ایم. حال چگونه توقع دارید که ما با استناد به اصول بالا مبارزه برای رفاه بیشتر طبقه کارگر را عملی نکنیم؟ آیا اگر این توصیه شما را راهنمای عمل خود کرده ایم، رفرمیست هستیم؟ اما بهتر است به آنچه که کنه این مسایل است و از دید دوستان سندی کابی پنهان نامانده اشاره کنیم:

ما با این گونه تحلیل ها و عقاید آشنایی داریم و همسانان شما را در دهه بیست و در هیات کرورژوک ها در سندی کابی کارگران کفایت مشاهده نموده ایم. و اگر کمی هم کتابخوان باشید می توانید اعقاب خود را در قرن نوزدهم میلادی که از هر شکل کارگری گریزان و بدنبال انقلاب کارگری خالص بودند، بشناسید. دوستان عقاید و رفتار شما با تشکل های دیگر کارگری، همسانی بسیار با عقاید پرودون و باکونین دارد. هر چند اصلاح شده این به ظاهر انقلابیون، امروز هم در کشور های اروپایی با نام آنارشیست از همان کیف و حظی که شما از شورش های کور می برید، در فرانسه و ایتالیا و اسپانیا دست به غارت فروشگاهها، شکستن شیشه ها و به جنجال کشیدن هر تظاهرات کارگری و مردمی مبادرت می ورزند. آنچه که تمایز بین ما و شماست نه در ایده آل ها که خواهان جامعه ای کارگری، حکومتی ضد سرمایه داری و تقسیم قدرت و ثروت در جامعه هستیم، بلکه در شیوه رفتاری ما و شماست.

هزاران کارگر آمل و آرزو هایشان را در عضویت سندی کاب های کارگری دیده اند و این باعث افتخار ما سندی کالیست هاست که چنین محبوبیتی و علاقه ای در میان طبقه کارگر داریم و این نشان از درستی راه ما و پدرانمان در یکصد سال اخیر است. امیدواریم که شما هم بتوانید در کارخانه ها شوراهای کارگری و کنترل کارگری ایجاد کنید. و این راهم بدانید حتما ما هم در آنجا یار و یاور شما خواهیم بود. زیرا پایه این دو تشکل سندی کاست.

با آرزوی موفقیت برای جنبش کارگری

مازیار گیلانی نژاد 1389/9/9

*کلیه عبارات داخل گیومه مربوط است به مقاله «وارونه نمایی حقیقت توسط سندی کاب های واحد و فلز کار مکانیک» کمیته هماهنگی.

گزارشی کوتاه از فراز و فرود سندیکای کارگران فلز کار مکانیک

سندیکا و کارگران فلزکار مکانیک تاریخی پُر فراز و نشیبی را از سر گذرانده اند. در دهه پنجاه دو تن از فعالینش با عضویت در سازمانهای چریکی در درگیری خیابانی به شهادت رسیدند و یکی دیگر به حبس ابد محکوم شد، بطوریکه ساواک می گفت، اینجا سندیکا نیست کارخانه چریک سازی است. هنگام پیروزی انقلاب نیز بازرس سندیکا به شهادت رسید. اما این خط خون بدینجا ختم نشد، با یورش به سندیکاها در سال 1362 دبیر سندیکا دستگیر و در سال 67 در فاجعه ملی به شهادت رسید. هم در زمان شاه و هم در شرایط حاضر کارگران فلزکار مکانیک در وضعیت خوبی به لحاظ حقوق سندیکایی بسر نمی برند.

حال بپردازیم به نقض حقوق این بخش از کارگران. پس از دستگیری های اول ماه مه 1387، جمعی از کارگران فلزکارمکانیک که در شرکت تعاونی مصرف برای استماع گزارش هیات مدیره تعاونی مسکن و هم برای گرامیداشت اول ماه مه گرد هم آمده بودند، دستگیر و 15 نفر به زندان اوین برده شدند. در میان بازداشت شدگان 2 نفر بالای 70 سال سن داشتند. اتهام این افراد تنها دور هم جمع شدن بود. از آن پس ما بارها مورد تهدیدهای تلفنی قرار گرفتیم. وبلاگ ما برای ششمین بار فیلتر شد و تنها منبع اطلاع رسانی ما از فضای مجازی بلاگفا حذف گردید. در کارخانه های خودروسازی و فولاد، سایه کارگران فلزکارمکانیک را با تیر میزنند. هرکسی که ارتباط کوچکی با ما داشته باشد پس از دستگیری و زندان، از کار اخراج شده و شکایتش نیز به هیچ جایی نخواهد رسید. با واردات نیز کارگاههای قطعه سازی در میدان قزوین تهران و جاده ساوه تعطیل شده بخش زیادی از کارگزارانشان را اخراج کردند. این تنها در کارگاههای کوچک نیست، بلکه در کارخانه های فولاد و ریخته گری نیز وضع به همین منوال است. کارگران فلزکار به دلیل شرایط سخت کار متأسفانه از سختی کار برخوردار نیستند و پس از عمری تلاش یا قبل از بازنشسته شدن می میرند و یا پس از مدت کوتاهی از بازنشستگی فوت می کنند. در این شرایط با برداشته شدن بازرسی های نوبتی وزارت کار از کارخانه ها و کارگاهها، بخشی از کارگران به دلیل سودجویی کار فرمایان با حوادث ناشی از کار روبرو هستند که آخرین این حوادث کشته شدن سعید خانی پور در حوضچه شرکت فولاد کاپوان اهواز است. اگر بخشی از کارگران فلزکارمکانیک بیکار هستند و از

گرسنگی رنج می برند، بخشی دیگر با اضافه کاریهای اجباری، که در کارخانه ایران خودرو گاه افراد روزانه 18 ساعت کارکرده، از بی خوابی، میمیرند. بعضی از کارگران شب را در محوطه کارخانه می خوابند و یا در حین کار بر اثر خواب آلودگی، پرس دستانشان را قطع می کند و یا در سالن کار با چرتی مرگ آفرین روبرو می شوند. یکی از کارگران سالن پژو ایران خودرو که بر روی پالتی دراز کشیده بود به زیر چرخ ماشین بالا بر میروید و کشته میشود. اوبیستمین ساعت کار را از سر می گذرانند. در کارخانه های خودرو سازی به خصوص ایران خودرو از تعطیلی خبری نیست. جمعه ها همیشه روز کاری اعلام می شود. به جز روز شهادت حضرت علی و عاشورا بقیه روزها، روز کاری است و غیبت حتا موجه در سهم پول آکورد نقش دارد چه برسد به غیبت غیر موجه که قرارداد کارگر را با خطر روبرو می سازد کما اینکه گاه حتا باعث تمدید نشدن قرارداد می گردد. در ایران خودرو جریمه های انضباطی که اکثرا مربوط به غیبت است به 4 روز جریمه کار بدون حقوق منجر می شود. و هیچ جایی نیز برای شکایت وجود ندارد. قوانین انضباطی ایران خودرو تناقض آشکاری با قانون کار کشورمان دارد. همه کارگران می دانند که یکی از کارگران قسمت تزئینات سالن پژو به دلیل اینکه با مرخصی اش موافقت نشد فرزند بیمارش را دیر به بیمارستان رساند و فرزندش فوت کرد. از زمان شاه در ایران خودرو زندان وجود داشته و هم اکنون نیز این زندان دایر می باشد. اگر پاداش کارگران خودرو سازی ها نهایتش به 800 هزار تومان برسد که مالیات هم کسر می شود، مدیران این کارخانه ها به خصوص ایران خودرو و سایپا با پاداش های چند صد میلیونی بدون کسر مالیات تشویق می شوند تا از کارگران وحشیانه تر کار بکشند.

کارگران فلز کار مکانیک 90/5/24